

نگاهی به چالش‌های سیاسی ایران: از تنش‌های داخلی تا لزوم وفاق ملی

گر کسی از فراز آسمان به ایران امروز نگاه کند، دچار تعجب خواهد شد که یک ملتی با وجود منابع فراوان و نیروی انسانی توانمند و امکانات وسیع، چرا و چگونه اجازه می‌دهند که یک گروه اندک چنین بلایی بر سر وحدت و وفاق ملی بیاورند؟

به گزارش سایت خبری پرسون، روزنامه هم میهن نوشت:

تندروها خواب‌های زیادی برای کشور دیده‌اند. به شدت میان‌شان شایع بود که خواب و رویای صادقه‌ای دیده‌اند که دولت پزشکیان پیش از ۱۲ بهمن تاب تحمل ندارد و به سود تندروها جاخلی خواهد داد. این خواب را مراد مطمئنی دیده و از اسرار غیب بود که البته تعبیر نشد و نخواهد شد.

آنان چنان در پریشانی فکر غرق هستند که حتی در فضای مجازی پا را از گلیم خود فراتر گذاشته‌اند و نسبت به افراد بالاتر هم تندخویی و جسارت می‌کنند و دیر یا زود به‌مثابه یک فرقه، باطن خطرناک خود را آشکار خواهند کرد.

جای تأسف است که گفته شود مشابه همین هشدارها و اندازها درباره «فرقه انحرافی اول» داده شد؛ ولی گوش شنوا و چشم بینایی نبود تا نشانه‌های آشکار این انحراف را ببیند و فقط هنگامی بیدار شدند که کار از کار گذشته بود و بحران بزرگی را در کشور ایجاد کردند و به کناری خزیدند و منتظر فرصت مانده‌اند تا زمانی دیگر از آب گل‌آلود سیاست ایران ماهی قدرت بگیرند.

تا اینجا خیلی مسئله‌ای نیست. مشکل در همراهی نسبی بخشی از نهادهای رسمی با این جریان است. همان اتفاقی که با جریان یا «فرقه انحرافی اول» هم رخ داد و بعداً از آن پیشیمان شدند. سیاست وفاق آقای پزشکیان باید بتواند این بخش از اصولگرایان را که یک بار در دام فرقه انحرافی افتادند، از افتادن در دامن «فرقه انحرافی دوم» باز دارد و صفوف آنان را از یکدیگر جدا کند و اجازه ندهد که برخی از نهادهای رسمی آگاهانه یا ناآگاهانه بلندگوی این فرقه شوند.

گفت‌وگوی جمعه‌شب معاون حقوقی رئیس‌جمهور در صداوسیما نشان داد که رگه‌هایی جدی از رویکردی که نفرت‌پراکنی را تشویق و روابط سیاسی را تقابلی می‌پسندد در برنامه‌های آن مشاهده می‌شود. رسانه‌ای که باید مظهر و سرچشمه و آموزش‌دهنده تساهل و مدارا و آرامش‌بخشی باشد، کارش به‌جایی رسیده که حتی از بردن نام مقامات دولتی پرهیز می‌کند و به‌صورت فرد غایب درباره آنان سوال می‌کنند.

اتفاقاً این پدیده در اولین روز سالگرد دهه انقلاب رخ داده است؛ انقلابی که قرار بود همه را زیر چتر خود درآورد و رسانه ملی آن باید عهده‌دار چنین مسئولیتی می‌شد، اکنون چنان این چتر کوچک و محقر شده است که اصولاً قادر به پوشش دادن هیچ گروهی جز یک جریان و فرقه بسیار کوچک نیست.

اگر کسی از فراز آسمان به ایران امروز نگاه کند، دچار تعجب خواهد شد که یک ملتی با وجود منابع فراوان و نیروی انسانی توانمند و امکانات وسیع، چرا و چگونه اجازه می‌دهند که یک گروه اندک چنین بلایی بر سر وحدت و وفاق ملی بیاورند؟ و صاحبان مسئولیت نیز منفعلانه ناظر اتفاقات و آب رفتن توان ملی شوند؛ به‌طوری که بخش مهمی از جوانان و مردمش چون توان اصلاحات را در خود نمی‌بینند عزم مهاجرت از کشور به هر قیمتی کنند.

هر روز یک یا حتی بیش از یک بحران ایجاد می‌کنند و عین خیالشان هم نیست که مردم چه دردهایی دارند. چند شعار غیرمرتبط با منافع مردم را به شکل ساده‌لوحانه تبدیل به چماق کرده‌اند و بر سر و روی هر کسی که جزو فرقه آنان نیست فرود می‌آورند.

راهی جز اتحاد و همبستگی ملی علیه تندروهای انحرافی وجود ندارد. ایران فرصت زیادی ندارد. دنیا در حال تغییرات عمیق و اساسی است. باید هر چه زودتر تصمیم گرفت. نمی‌توان ماجرا را به آینده موهوم، موکول کرد. جهان و دیگران به انتظار ما نخواهند نشست.

حکومت و دولتی که نتواند مسئله فیلترینگ، FATF را طی چندسال حل کند و تصمیم‌گیری حتی برای این موارد بدیهی نیازمند ماه‌ها و سال‌ها کوشش و جلب رضایت افراد غیرپاسخگو باشد آینده روشنی نخواهد داشت.

امیدواریم که آقای رئیس‌جمهور گامی جدی‌تر بردارد و محدوده وفاق را به کسانی گسترش ندهد که هویتی ضدوفاق دارند. این کار آب در هاون کوبیدن است. وفاق را با اکثریت کنشگران سیاسی و مردم پیش ببرید و خود و منافع مردم را معطل این فرقه نکنید.